

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هفتم. شماره ۲۸. تابستان ۱۳۹۵

صفحات: ۱۱۹-۱۰۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۹/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۵

بررسی فرآیند جهانی شدن و توانمندیهای اجتماعی زنان مسلمان

حمیده صالحیان*
لنا عبدالخانی**

چکیده

ضرورت بررسی در خصوص جایگاه زن مسلمان در فرآیند جهانی شدن و تحولات بین‌المللی با هدف تعدیل و ارتقای منزلت ایشان امروزه امری قابل تأمل می‌باشد. تحقیق و پژوهش در زمینه مسائل زنان مسلمان با در نظر گرفتن مطالبات ایشان در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری اجتماعی و فرهنگی جوامع بر این مهم افزوده است. عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه و تجربیات جهانی حاصل از جهانی شدن، فرصتها و تهدیدهایی فراروی ایشان قرار داده است. این تحقیق ضمن بررسی آثار مثبت و منفی جهانی شدن برای زنان به حرکت اجتماعی که با توجه به چالش‌هایی که وجود دارد و کوششی برای تحقق خواسته‌های استراتژیکی که ضامن از میان بردن تبعیض و نابرابری در عرصه‌های گوناگون زندگی و فراهم آوردن محیط مناسب و در خور برای زنان مسلمان در بنای توانایی‌های تولیدی و اخلاقی آنها، تبدیل نموده است را بازنمایی سازد، لذا ضرورت دارد برای ارتقا منزلت زنان در جامعه تلاش‌هایی از سوی نهادهای تصمیم‌گیری، نخبگان و سیاست‌گذاران فرهنگی و مهم‌تر از همه خود زنان مسلمان صورت گیرد.

کلید واژگان: جهانی شدن، توانمندیهای اجتماعی، زنان مسلمان.

* کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: with.policy@gmail.com)

مقدمه

به نظر می‌رسد که جهانی شدن برای مردم جهان بیم و امید به ارمغان آورده است. این پدیده دو رویه دارد. از یکسو تهدیدی است که کشورهای در حال توسعه با آن رو به رو هستند و از سوی دیگر فرصت‌هایی ایجاد می‌نماید که برای این کشورها قابل توجه بوده است. مسیر جهانی شدن یک راه غیرقابل اجتناب است که آثار و پیامدهای آن در جوامع مختلف کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شهرها و روستاها و زنان و مردان کاملاً متفاوت است. شکل‌گیری یک نظام ارتباطی جدید دیجیتالی، تأثیرات پدیده جهانی شدن با توجه به موقعیت مکانی، زمانی، اقتصادی، جنسیت و ... متفاوت می‌باشد. تأثیر عامل جنسیت بدین معناست که پدیده عظیم و شگرف جهانی شدن در شکل‌گیری وضعیت جدید برای مردان و زنان به طور متفاوت عمل می‌کند. در پرتو تحولات شگرف ارتباطات رسانه‌ای و الکترونیکی و دستیابی به قالب‌ها، الگوها و پارادایم‌های جدید ظرفیت تبیین و پیش‌بینی از روند حوادث و تکانه‌های شدید و بحران‌ساز آینده نیز تغییر کرده است. (کاظمی، ۱۳۷۵، ص ۶۴)

فرهنگ جهانی شدن به عنوان عامل قدرت در فرآیند نظم‌بخشیدن به روابط بین‌المللی و به عنوان یک ابزار نظارت بر رفتار دولت‌ها و انسان‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در نتیجه، وضعیت تعارض آمیزی ایجاد می‌شود که هر طرف آن مکمل یکدیگر نیز هستند. از یک سو، جستجو یا بازیابی «فرهنگ خودی» و از سوی دیگر، خطر از دست رفتن یا نابود شدن «فرهنگ خودی» تهدید و واکنش، هر دو به آگاهی‌های جدیدی شکل می‌دهند که فرهنگ را در رأس امور قرار می‌دهد. عامل دوم در اهمیت یافتن فرهنگ بحران‌مدرنیته و مدرنیسم است. پدیده‌های جدید مسائلی را مطرح می‌کند که مدرنیته برای آنها پاسخی فراهم نکرده است. توسعه نیافتگی، مسائل زیست محیطی یا مسائل عدالت و جنسیت از جمله مواردی هستند که همزمان منابع هویتی تلقی می‌شوند (اخوان زنجانی ۱۳۸۳، ص ۱۱۸).

آثار جهانی شدن بر جامعه زنان عمق و پیچیدگی بیشتری دارد. اگرچه جهانی شدن آثار مثبتی همچون افزایش درآمد، رشد اشتغال، توسعه سرمایه اجتماعی، افزایش بهره‌وری، افزایش حق انتخاب، افزایش سطح آگاهی‌ها را برای زنان به همراه داشته، به همان نسبت آثار منفی نظیر رشد اشتغال غیر رسمی، پرداخت دستمزدهای اندک، کاهش امنیت غذایی، افزایش مهاجرت، فروپاشی ارزش‌های سنتی، عدم امنیت شغلی و گسترش فرهنگ مصرف، کاهش موالید، فراموش شدن مسئولیتهای خانوادگی، افزایش آمار طلاق و ... را به زیان زنان تشدید کرده است. زنان در جوامع مختلف وضعیت‌شان در معرض فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن قرار دارند. یکی از فرصت‌های جهانی شدن برای زنان کمک به آنها در جهت بالا بردن آگاهی و توانمندیشان در عرصه‌های شخصی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد. در تحقیق حاضر تلاش شده که اولاً در کنار نگاه انتقادی و توجه به پیامدهای منفی فرآیند جهانی شدن به پیامدهای مثبت و فرصت‌هایی که این فرایند می‌تواند در اختیار افراد جامعه به ویژه زنان بگذارد نیز توجه شود (جنانی و ضیائی فر، ۱۳۸۸).

ادبیات پژوهش : مفهوم شناسی

مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن از دیدگاه کارشناسان امور بین الملل، فرایند یکپارچگی مردم جهان در یک جامعه واحد است به نحوی که حوادث و اتفاقات در نواحی دوردست سبب شکل گیری رخدادهای محلی می شوند. البته جهانی شدن سبب گسترش پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از دولت ها می شود و از اهمیت مرزها و فاصله جغرافیایی می کاهد (زیرک، ۱۳۸۷، ص ۲۲). جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و توسعه تجدد و سرمایه داری جهانی است و به مجموعه فرایندهای پیچیده، که به موجب آن دولت های ملی به نحو مطلوب و فزاینده ای به یکدیگر وابسته می شوند، اطلاق می شود (جنانی و ضیایی فر، ۱۳۸۸).

جهانی شدن در زبان فارسی معادل «Globalization» در زبان انگلیسی در نظر گرفته شده است. در زبان عربی نیز کلمات «العلوله» و «الکوکبه» معادل جهانی شدن و یا جهان گرایی ترجمه شده اند که عمدتاً کلمه «العلوله» مورد استفاده قرار می گیرد (الحمدادی، ترجمه نکونام قدیمی، ۱۳۸۱).

در رابطه با ارائه تعریفی جامع و مانع از پدیده جهانی شدن میان صاحب نظران و اندیشمندان اجماع نظر حاصل نشده و هر دسته از آنان به تناسب برداشتی که از این پدیده دارند و پیش زمینه های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی که بدان تعلق دارند تعریف خاصی از این پدیده ارائه داده اند. در برخی از این تعاریف، جنبه اقتصادی جهانی شدن غلبه دارد و در برخی دیگر ابعاد سیاسی، فرهنگی و یا ارتباطی آن بیشتر مدنظر قرار می گیرد (میر محمدی، ۱۳۸۳). رابرتسون^۱ (۱۹۹۵) جهانی شدن را مفهومی می داند که ناظر بر فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی جهانی است و فرآیندی است که وابستگی متقابل جهانی و آگاهی از جهان به عنوان یک کلیت یکپارچه در قرن بیست و یکم را در پی داشته است. پراتسون جهانی شدن را پدیده ای چند وجهی تعریف کرده است به گونه ای که به بافت های گوناگون کنش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فناوری و محیط زیست راه پیدا کرده است (نقل از کیانی، ۱۳۸۱). در تعریفی دیگر مارتین آلبرو^۲ (۱۹۹۶). جهانی شدن را فرآیندی دانسته است که براساس آن مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به یکدیگر می پیوندند. امانوئل ریشتر^۳ (۲۰۰۰) جهانی شدن شکل گیری شبکه ای است که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاکی، دور افتاده و منزوی بودند در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می شوند (نقل از صداقت، ۱۳۷۹).

صندوق بین المللی پول جهانی شدن را ادغام و وسیع تر و عمیق تر تعریف می کند. به عبارت دیگر، جهانی شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق

۱. Robertson

۲. Martin Albrow

۳. Emanuel Richter

حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده تر و وسیع تر تکنولوژی می‌داند. لستر تارو^۱ (۱۹۹۶) اقتصاد جهانی بنا به تعریف اقتصادی است که در آن عوامل تولید، منابع طبیعی، سرمایه، دانش فنی، نیروی کار و نیز کالاها و خدمات در سراسر جهان جا به جا می‌شوند (تارو، ۱۹۹۶، ترجمه کیاوند، ۱۳۷۶).

با توجه به تعاریف فوق می‌توان جهانی شدن را فرآیندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کمرنگ تر و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات و سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها سهل تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد (بهکیش، ۱۳۸۰). نکته‌ای که در تعریف جهانی شدن بایستی مدنظر قرار گیرد پرهیز از یکسان‌انگاری معانی جهانی شدن با مفاهیم مترادف و یا بهتر بگوییم مشابه است. جهان گرایی، بین‌المللی شدن، جهان شمولی، یکپارچگی جهانی، جهان گردی و یکسان‌سازی از جمله مفاهیمی هستند که بعضاً مترادف با پدیده جهانی شدن به کار گرفته می‌شوند در صورتی که هر یک از آن‌ها دارای بار معنایی و مفهومی خاص خود هستند که استفاده از آن‌ها به جای "جهانی شدن" موجب تقلیل در معنا و فضای مفهومی این پدیده خواهد شد (میرمحمدی، ۱۳۸۳).

مفهوم توانمندسازی زنان

توانمندسازی زنان نیز همچون مفهوم کلی توانمندسازی به معنای مقابله با وضعیت بی‌قدرتی زنان است. این مفهوم به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان اطلاق می‌شود. توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد، برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود می‌شود. این زنان و توسعه‌واژه به مفهوم غلبه بر نابرابری‌های بنیانی است. توانمندسازی یک زن به این معنی است که او برای انجام برخی کارها توانایی پیدا می‌کند. این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر شده و در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع می‌شود. توانمندسازی زنان دارای ابعاد مختلف مادی و غیرمادی است که با یکدیگر پیوند داشته و با موضوعاتی چون رفاه مادی، دسترسی به آگاهی، مشارکت و کنترل مرتبط می‌باشد. رفاه به عنوان اولین معیار، مرحله‌ای است که طی آن مسائل رفاه مادی زنان مانند وضعیت تغذیه و درآمد خانوار در مقایسه با مردان مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف این مرحله برآورده کردن نیازهای اولیه زنان فقیر است. در مرحله دوم حق برابر زنان با مردان در دسترسی به منابع در حوزه خانواده و در مقیاس بزرگ‌تر در سیستم کشوری مطرح می‌شود. در مرحله بعدی، افزایش آگاهی‌های زنان در ابعاد مختلف مدنظر می‌باشد (جنانی و ضیائی فر، ۱۳۸۸).

افزایش آگاهی زنان می‌تواند در طولانی مدت آنها را نسبت به کسب حقوقشان مصر سازد

۱. Lester Carl Thurow

زنان باید پذیرند نابرابری زنان و مردان نتیجه تبعیض ساختاری و نهادی است نه به دلیل نابرابری ذاتی زنان. لازمه این امر درک تفاوت میان نقش‌های جنسی و جنسیتی است و اینکه نقش‌های جنسیتی به صورت اجتماعی شکل گرفته و قابل تغییر هستند. هر گونه چشم انداز و آگاهی جنسیتی بر پایه اصل برابری جنسیتی قرار دارد. برای زنان این امر مستلزم پذیرش شأن و مقام خود و خودباوری می‌باشد (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، ۱۳۷۲).

پس از طی این مراحل است که می‌توان به مشارکت برابر زنان در حوزه‌های مختلف امیدوار بود. زنان بدون در اختیار داشتن منابع مالی، رفاه مادی و آگاهی، قادر به مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری نخواهند بود. برابری در قدرت مستلزم مشارکت با هدف تضمین دسترسی برابر به منابع و توزیع برابر منافع می‌باشد. کنترل برابر لازمه تحقق رفاه برابر است. بنابر آنچه گفته شد و در ادبیات توسعه نیز رواج یافته، توانمندسازی تنها به توانمندسازی اقتصادی زنان مربوط نمی‌شود.

جهانی شدن در مکاتب مختلف

در رابطه با ارائه تعریفی جامع و مانع از پدیده جهانی شدن میان صاحب‌نظران و اندیشمندان اجماع نظر حاصل نشده و هر دسته از آنان به تناسب برداشتی که از این پدیده دارند و پیش زمینه‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی که بدان تعلق دارند تعریف خاصی از این پدیده ارائه داده‌اند. در برخی از این تعاریف، جنبه اقتصادی جهانی شدن غلبه دارد و در برخی دیگر ابعاد سیاسی، فرهنگی و یارتباطی آن بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد. در باب نظریه جهانی شدن، اندیشمندان در دو دسته کلی اندیشمندان مارکسیست و نئومارکسیست و سایر اندیشمندان شامل اندیشمندان لیبرال، طرفداران نظریات واقع‌گرایانه و نظریه پردازان جدید روابط بین‌الملل تقسیم می‌شوند. از نظریه پردازانی همچون سمیر امین مصری^۱، امانوئل والرستین^۲، یورگن هابرماس^۳، آنتونی گیدنز^۴ و رولند رابرتسون به عنوان نظریه پردازان مارکسیست و نئومارکسیست و اندیشمندانی همچون دیوید هلد^۵، رابرت کوهن^۶، فوکویاما^۷ به عنوان اندیشمندان سایر نحله‌های فکری در تبیین فرایند جهانی شدن شناخته می‌شوند (صالحیان، ۱۳۹۴، ص ۷).

همچنین پیرامون فرایند توانمندی و مشارکت زنان مطالعات فراوانی انجام شده است و در این خصوص نظریه پردازان خارجی و داخلی آثار مهمی را ارائه نموده‌اند. از جمله:

۱. Samir Amin
۲. Immanuel Wallerstein
۳. Jurgen Habermas
۴. Anthony Giddens
۵. David Heald
۶. Robert Cohen
۷. Francis Fukuyama

با یک بررسی اجمالی در آثار تألیف شده پیرامون موضوع زنان و تأثیرات جهانی شدن بر موقعیت‌های جدید آنان، می‌توان ملاحظه کرد که از دهه ۱۹۷۰ به بعد سیر تدوین چنین آثاری سرعت گرفته و از سالهای پایانی دهه ۱۹۹۰ تا کنون روند رو به رشد بی‌سابقه‌ای داشته است. طی بررسی‌های به عمل آمده در این خصوص برخی آثار مهم در این حوزه در مطالعات جهانی به شرح ذیل می‌باشد.

پارتا داسگوپتا^۱ (۲۰۰۱) نیز در اثر معروف خود تحت عنوان "اقتصاد" تشریح می‌کند که فهم کامل ما از توانمندسازی در فرآیند جهانی شدن می‌تواند به وسیله حکومت‌ها، سازمانهای غیر دولتی^۲، تصمیم‌های سازنده و مدیریت اطلاعاتی که استراتژیهای مناسب برای توانمندسازی زنان و ورود آنها به مسیر اصلی فرایند توسعه را تدارک می‌بیند، شکل بگیرد (داسگوپتا، ۲۰۰۱، ص ۱۸).

مقدس و خواجه نوری (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان "جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان" به موضوع جهانی شدن و هویت اجتماعی پرداخته‌اند. این تحقیق در بین زنان ۱۶ تا ۴۵ ساله ساکن شهرهای شیراز و استهبان انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری بین زنان شیراز و استهبان به لحاظ نوگرایی، نگرشهای نقش - جنسیت، آگاهی از جهانی شدن، به کارگیری فن آوری اطلاعاتی و رسانه‌ای و همچنین کاربرد فرهنگهای نو که خود متأثر از جهانی شدن است وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری در هویت اجتماعی زنان میان شهرهای شیراز و استهبان وجود دارد و یکی دیگر از نتایج و یافته‌های پژوهش این است که هویت زنان با سه مجموعه از متغیرهای موقعیت ساختاری، بکارگیری حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۳ و همچنین با حوزه فرهنگی و عناصر آن رابطه دارد.

همچنین طاهرخانی (۱۳۸۳) به آثار جهانی شدن بر زنان همچون افزایش درآمد، رشد اشتغال، توسعه سرمایه اجتماعی، افزایش بهره‌وری، افزایش حق انتخاب و سطح آگاهی و تأثیر آن بر زندگی زنان اشاره داشته است.

قلی‌پور (۱۳۹۰) نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که توانمندسازی به معنای تفویض و یا اعطای قدرت به کسی است و در دهه‌های اخیر به عنوان مکانیزمی برای افزایش کیفیت زندگی کاری و شخصی زنان مطرح شده است. مهارت آموزی، طرح‌های خود اشتغالی، وام و کمک‌های غیرنقدی بر توانمندی زنان اثر گذار است.

عبدالخانی و جوهر (۱۳۹۳) در پژوهش "بررسی سطح مشارکت سیاسی زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه ۲ اهواز" اشاره دارند که زنان به عنوان یک گروه تأثیرگذار در مشارکت و

۱. Parta Dasgupta

۲. non-governmental organization (NGO)

۳. Information and communication technologies (ICT)

بالاخص مشارکت سیاسی نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارند. این پژوهش در جهت بررسی سطح مشارکت سیاسی زنان فرهنگی (آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهرستان اهواز) و عوامل مرتبط با آن می‌باشد که سعی دارد نگرش زنان فرهنگی به مشارکت سیاسی خصوص در سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را تحت تاثیر جهانی شدن بررسی کند.

ساروخانی و بابایی فرد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگی جوانان" به موضوع جهانی شدن و رابطه آن با هویت فرهنگی دانشجویان پرداخته‌اند. این تحقیق که در بین دانشجویان دختر و پسر برخی از دانشکده‌های دانشگاه تهران انجام شده است، نشان داد که برخلاف برخی تصورات رایج درباره اینترنت، ابعاد و پیامدهای منفی آن برای کاربران اینترنت به ویژه کاربران تحصیل کرده و دانشگاهی از این رسانه ارتباطی جهت تبادل علمی، فکری و فرهنگی با افراد و جوامع دیگر و در نتیجه ارتقای علمی، فکری و فرهنگی خود استفاده می‌کنند. علاوه بر این نتایج این تحقیق نشان می‌دهد جهانی شدن یک پدیده پیچیده و چند بعدی است. جهانی شدن در هر جامعه‌ای بروز و نمود خاصی پیدا کرده است. جوامعی که دارای بنیان‌های هویتی و فرهنگی مستحکم بوده‌اند، توانسته‌اند با این پدیده به گونه‌ای آگاهانه برخورد کنند و شواهد موجود نشان می‌دهد که آنها از فرصت‌های جهانی شدن در عرصه‌های گوناگون به خوبی استفاده کرده و به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته‌اند، در حالی، کشورهایی که در برابر آن موضع‌گیری کرده یا نسبت به آن بی‌توجه بوده‌اند، از چنین فرصت‌هایی محروم مانده‌اند. علاوه بر این از آنجا که کارگزاران چنین کشورهایی زمینه‌های لازم را برای رویارویی آگاهانه مردم‌شان با چنین پدیده‌ای فراهم نکرده‌اند، در زمینه فرهنگی دچار چالش‌های زیادی شده‌اند.

جهانی بودن و جهانی شدن از منظر اسلام

مرووری بر مفاد متون دین و فرهنگ دین ما را به این واقعیت غیرقابل انکار روبرو می‌سازد که دین اسلام یک دین جهانی است و در تجربه تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است. اسلام مسأله جهانی شدن و تشکیل جامعه جهانی و حکومت جهانی را مطرح کرده است. جهانی بودن دین اسلام را می‌توان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه‌ها و متن پیام‌های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی نسبت به جهانی بودن این دین، و جهانی بودن نبوت و خاتمیت رسالت پیامبر شده است، مورد توجه قرار داد، و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با فطرت نوع بشر اثبات کرد.

جهان‌شمول بودن اسلام یک حقیقت قطعی و بدیهی است که در بین مسلمانان هیچ شک و تردید و ابهام و اختلافی درباره آن وجود ندارد. اسلام - فی‌ذاته - یک دین جهانی و همگانی است و آیینی است که رسالت آن هدایت و نجات تمام انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌هاست. جهانی بودن اسلام را می‌توان با استناد به برخی از آیات قرآن کریم اثبات نمود:

رسالت جهانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف: ۱۵۸)

قرآن برای همه انسانها نازل شده است: «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قلم: ۵۲)
دارا بودن قوانینی هماهنگ و منطبق با فطرت آدمی: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم: ۳۰)

ارزش نهادن به علم و دعوت به آن: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹)
نگاه جامع و کامل به همه جنبه‌های جهان هستی و نیازهای بشری: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) و اینکه خداوند قرآن را «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) توصیف کرده است.
توجه به نیازهای معنوی بشر و ترسیم خطوط حیات معقول (معنویت، عقلانیت، اعتدال):
نظیر این آیات کریمه «وَيَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۷)
عقلانیت، مثل «تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت: ۴۷) و اعتدال
نظیر، آیه شریفه ۸ سوره مائده که می‌فرماید: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» و یا «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ».

تأکید بر برابری همه انسانها و نفی تبعیض و برتری‌های نژادی - مادی و قومی و زبانی: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» (آل عمران: ۶۳)

جهانی شدن به دلیل مشخص نبودن مبانی و عوامل پیش برنده آن و همچنین به دلیل نامشخص بودن اهداف و ماهیت ساختار شکنانه آن، نمی‌تواند مورد تأیید فرهنگ اسلام باشد، بلکه فقط از جنبه ابزاری آن، سایر فرهنگها و از جمله اسلام، می‌توانند از این فرصت و زمینه برای انتقال پیامهای فرهنگی و ارزشهای خود بهره ببرند و از این نظر، می‌توان گفت: اسلام با بعد فنی و سخت افزاری جهانی شدن تضاد و مخالفتی ندارد، اما در هر صورت، در این نکته تردیدی نیست که اسلام با جنبه‌های نرم افزاری و محتویات فرهنگی و پیامدهای سیاسی و اقتصادی غرب (جهانی شدن بر مبنای مبانی و الگوهای غرب) به صورت اجتناب ناپذیر، دچار چالش و رویارویی خواهد شد. واکنش‌های فرهنگها و ادیان گوناگون، بخصوص جوامع اسلامی، در برابر جهانی شدن و رشد، احیاء شکل‌گیری هویت‌های دینی و اسلامی، حکایت از ناسازگاری و تعارض با فرایند جهانی شدن دارد؛ به این معنا که بیشتر فرهنگ‌های بومی و دینی در برابر گسترش فرهنگ مادی گرایانه و سکولاریستی و ارزش‌های غربی و واکنش نشان می‌دهند بخصوص آنجا که مبانی خانواده و اصالت آن رازیر سوال می‌برد. آموزه‌های اعتقادی و ارزش‌های دینی و معیارهای اخلاقی اسلام مطلق و ثابت و تعطیل ناپذیرند، در حالی فرایند جهانی شدن کنونی مبتنی بر هیچ‌یک از این ارزش‌های قدسی و الهی نیست و اگر نفی کننده این ارزشها نباشد، دست کم پذیرای آنها هم نیست. ارنست گلنر^۱ (۱۹۸۱) می‌گوید: "میان این ادعا که آموزه‌های غرب در فرایند جهانی شدن، عالمگیر و جهانی می‌شود، با آموزه‌های

۱. Ernest Gellner

اسلامی ناسازگاری وجود دارد و این ناسازگاری موجب می‌شود که هر دو به نفی یکدیگر پردازند و بنیادگرایی اسلامی در پی احساس خطر حذف هویت اسلامی، به بازتولید خود می‌پردازد" (نقل از سجادی، ۱۳۸۵).

مسئله مهم و قابل توجه در این زمینه، آن است که در چنین شرایطی، اگر محور این چالش را بنیان‌های فرهنگی - نه فناورانه و ابزاری - دانست، قطعاً فرهنگ اسلام فرهنگ مقبول خواهد بود؛ زیرا اسلام یک دین جامع و کامل و عقلانی و منطبق فطرت انسانی است و تعالیم آن صبغه جهانی دارد و مخاطب آن همه انسان‌هاست. برخی از اندیشمندان اسلامی، همچون محمد قطب^۱ (۲۰۰۴) معتقدند: «جهانی شدن نه تنها موجب تضعیف و طرد دین نخواهد بود، بلکه موجب تقویت و انتشار دین و بیداری اسلامی در تمام نقاط زمین خواهد بود.» (نقل از قطب، ۲۰۰۴، ترجمه ویسی، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

بنابراین، با توجه به ویژگی‌های ذاتی اسلام و آموزه‌ها و فلسفه و رسالت این دین، می‌توان گفت: جهانی شدن اسلام ماهیتاً متفاوت با جهانی شدن کنونی است. اما این تغایر و تمایز دلیل بر تضاد لاینحل و نفی متقابل این دو فرایند نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد جهانی شدن یک امکان و فرصت و زمینه است و خود ذاتاً حامل ایدئولوژی و پیام ضدعقلانی و ضددینی نیست و نمی‌توان آن را مانند «جهانی‌سازی» حامل فرهنگ غرب و معطوف به اراده قدرت سیاسی، که هدف آن نفی سایر فرهنگ‌هاست، دانست. همچنان‌که اشاره شد، جهانی شدن حاصل پیشرفت‌های علمی و فنی تاریخی و طبیعی همه بشریت است و اساساً در ذات خود، به گونه‌ای است که امکان و ابزاری است که می‌تواند حامل پیام‌ها و فرهنگ‌ها باشد. بدین‌رو، عاملی مهم برای تبادل و رقابت و انتقال فرهنگ‌هاست و هر فرهنگی بنا بر قابلیت و ظرفیت ذاتی و نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود، می‌تواند از آن بهره بگیرد.

استراتژیهای زنان مسلمان در عصر جهانی شدن در پاسخ به این پرسش که موضع زنان مسلمانان در قبال «جهانی شدن» چگونه باید باشد، چند راهبرد وجود دارد، که به ترتیب اولویت و اهمیت بدانها پرداخته می‌شود:

راهبردهای فرهنگی

الف. بازگشت به اسلام اصیل و تعدیل قوانین: شکی نیست که چالش‌های پیش‌روی زنان مسلمانان، هم داخلی است و هم خارجی. امروزه زنان مسلمانان برای حفظ هویت فرهنگی خود، راهی جز پایبندی به ایمان و آموزه‌های عقلانی اسلام و بازسازی ساختارهای درونی خود و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فنی برای تقویت فرهنگ و انسجام درونی خود ندارند (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۲۰۱۲).

ایدئولوژی اسلام این شایستگی و توانایی را دارد که بر روی ویرانه‌های جوامع از هم‌پاشیده،

۱. Muhammad Qutb

جامعه‌ای نو، بنیاد نهد. اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آنچنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظر گاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیأت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهانیان معرفی کرد. ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین ملت‌ها بر اساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند (بواز، ۱۳۶۱).

روژه گارودی^۱ (۱۹۸۳)، فیلسوف تازه مسلمان فرانسوی، معتقد است: «قدرت برهان و روشنی حقایق اسلام و همسویی آن با فطرت، این آیین را به عنوان آیین جهانی بشر مطرح خواهد ساخت، به ویژه پس از شکست و ناکامی ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و کاپیتالیستی و امثال آنها که مدعی ضمانت و سعادت بشر بودند.» (نقل از حاجتی، ۱۳۸۲).

بعد از انقلاب اسلامی ایران گفتمان اسلام‌گرا در جهان اسلام حاکمیت پیدا کرد (برخلاف انقلاب مشروطه که گفتمان آن مدرنیته بود)، حکومت اسلامی قصد نمود تعبیری از اسلامی مدرن را بسازد که جامعه را در مقابل تهاجم فرهنگی بی‌ریشه‌ی غرب و به خصوص در مقابل امپریالیسم فرهنگی آمریکا محافظت و حمایت کند. لذا تعبیر و تفسیر شیعی از تجدد که مخالف مدرنیته‌ی غرب بود شکل گرفت. این مدل مخالف مدل غربی برای زنان بود اما طرفدارانش همچون آیت الله مطهری معتقد بودند که در موقعیت سنتی زنان می‌باید به طور جدی تعدیل صورت پذیرد (قیتانچی، ۱۹۹۹).

اسلام اصل را بر آزادی انسان می‌داند و بردگی را خلاف فطرت وی معرفی نموده است. اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را تأمین نماید. زیرا امنیت افراد جامعه یکی از اصولی‌ترین ویژگی نظام حقوقی اسلام است. هم‌چنین بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تأکید دارد. در این اصل بر مشارکت زنان در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره شده و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه چه زن و چه مرد در تمام سطوح جزو وظایف دولت شمرده شده است. در اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد بطور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل بیست و یکم قانون اساسی معطوف به حقوق زن است دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید (منصور، ۱۳۹۳).

ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی سرلوحه

1. Roger Garaudy

2. Elham Gheytnchi

وظایف دولت است. حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و پشتیبانی از کودکان بی سرپرست وظیفه دیگری است که به دوش دولت گذاشته شده است. با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی شورایی عالی انقلاب فرهنگی، به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۳ "منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران" را تصویب کرد که این منشور با الهام از شریعت معتدل و جامع اسلام و مبتنی بر قانون اساسی و اندیشه‌های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی تدوین گردید و در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین المللی در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید (مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳).

در واقع بخش دوم بحث زنان حول محور ضمانت اجرایی حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران است. این قانون با دیدی جامع و فراگیر بر اساس تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان تنظیم و تدوین گردیده و مشتمل بر حقوق و تکالیف امضایی، تاسیسی و حقوق حمایتی و نیز حقوق مشترک بین همه انسانهاست. منشور حقوق زنان به عنوان یک سند مرجع در سیاست‌گذاری، برنامه ریزی و قانونگذاری در امور فرهنگی و اجتماعی زنان در ۳ بخش و ۵ فصل و ۱۴۸ بند در سال ۸۵ تصویب شد و کلیه دستگاه‌های ذی ربط مکلفند قواعد و اصول مندرج در این منشور را رعایت نمایند. این منشور می‌تواند مبنای معرفی و تبیین جایگاه زن در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین المللی نیز قرار می‌گیرد. در قانون مذکور حقوق فردی زنان مورد توجه ویژه قرار گرفته حق برخورداری از زندگی شایسته و سلامت جسمانی و روانی و پیشگیری در مقابل هرگونه بیماری و حادثه و یا تعدی منظور شده است. آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن اعتقاد به عنوان حق محفوظ بوده . مصونیت جان، مال و حیثیت زنان و زندگی خصوصی آنان از تعرض غیرقانونی و حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت تأکید گردیده است.

ب. شناخت نسبت به وظیفه خود: وظیفه زن مسلمانان در قبال روند جهانی شدن، اولاً، کسب شناخت و آگاهی لازم از قابلیت‌های اسلام و محتوای تعالیم اصیل و ارزش‌های اصیل فرهنگ غنی اسلام و ظرفیت‌های جهانی این دین است.

در دهه ۱۹۸۰، مفهوم جنسیت و توسعه جایگزین مفهوم زن در توسعه شد. مفهوم جنسیت با این استراتژی مطرح شده که نشان دهد جایگاه نابرابر زنان در جهان امروز به دلیل خصوصیات بیولوژیکی آنان نبوده است. جنسیت نتیجه قواعد، سنت‌ها و روابط اجتماعی در جوامع و فرهنگ‌ها است که همگی تعیین کننده رفتار زنانه و مردانه و سهم زنان و مردان از قدرت می‌باشد. جنسیت به ساختار اجتماعی زنانه و مردانه گفته می‌شود که در شرایط زمانی و مکانی گوناگون تغییر می‌کند. به عبارت دیگر جنسیت به تفاوت رفتار ذاتی و اکتسابی اطلاق می‌شود و دارای قابلیت تغییر می‌باشد؛ چراکه تحت تأثیر عوامل تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرد

(مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۸۴).

ارزش و اهمیت مفهوم جنسیت در پارادایم جدید توسعه آن است که به بررسی فرایندهای اجتماعی از نقطه نظر تأثیر آنها بر زنان، مردان و روابط میان آنان می‌پردازد. این مفهوم، زنان را به صورت جدا در نظر نگرفته، بلکه باعث می‌شود تفاوت‌های ناشی از طبقه، نژاد، قومیت، سن، توانایی و رفتار جنسی میان زنان و مردان آشکار شود. بنابراین تحلیل جنسیتی به معنای نگرستن به تفاوت‌ها نیست (همانند رویکرد زنان و توسعه)، بلکه به معنای تحلیل چگونگی منجر شدن تفاوت‌های مذکور به نابرابری در قدرت میان زنان و مردان می‌باشد. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه مفهوم جنسیت و توسعه تنها به مسائل مربوط به زنان بر نمی‌گردد، بلکه به ساخت اجتماعی و سپردن نقش‌های اجتماعی و مسئولیت‌ها به زنان و مردان براساس توانایی‌های فیزیکی و روحی و انتظارات مشخصی که جامعه از آنها دارد، مربوط می‌باشد (پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۱).

نظریه توانمندسازی در حالی که به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است، آن را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر تلقی کرده و بیشتر به شکل لحاظ کردن توان زنان در جهت افزایش اتکاء به خود و قدرت درونی، تعریف می‌کند. تفاوت اصلی نظریه توانمندسازی با نظریه‌های دیگر، در نحوه دستیابی به احتیاجات زنان است. به طور کلی توانمندسازی زنان، فرایندی است که طی آن سطح آگاهی‌های منتقدانه زنان نسبت به واقعیات بیرونی افزایش یافته و آنها به توانمندی‌های درونی خود که بر رفاه و عدالت اجتماعی در زندگی شان تأثیر می‌گذارد واقف می‌گردند. طی این فرایند هنجارها و ارزش‌هایی احیاناً خلق می‌شوند که برابری جنسیتی در سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و نهادی را تضمین می‌کند. در همین راستا می‌توان به راهبردهای ذیل جهت توانمندسازی زنان اشاره کرد: آموزش دختران و زنان؛ تسهیل مشارکت و دخالت آنها در فعالیتهای اقتصادی از طریق توسعه توانمندی‌های کارآفرینی در آمدزایی و افزایش دسترسی آنها به اعتبارات؛ دخالت زنان در تدوین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه بخصوص مسائل خانواده؛ شرکت در تجربه‌های اجتماعی مانند جنگ، خدمات انسان دوستانه، جنبش‌های محیط زیست و بهداشتی، تشویق تغییرات اجتماعی - فرهنگی از طریق کشف و شناخت مسائل مربوطه و تلاش برای اجرای موثر قوانین مطابق با اصول اعتقادی جامعه اسلامی.

ج. شناخت تمدن غرب: خطرترین وظیفه زن مسلمانان در قبال روند جهانی شدن، مقابله با مفروضات و مبانی فرهنگ غرب است، نه نفی دستاوردهای علمی غرب. هر روز که می‌گذرد، مظاهر فرهنگ غرب در برابر فرهنگ اسلامی، که مبتنی بر تکامل معنوی و تعالی روحی است، نفوذ خود را از دست می‌دهد. اگرچه غرب با پیشرفت‌های صنعتی و پژوهش‌های علمی خود، همچنان جاذبه خود را در بین همه ملت‌ها دارد، ولی با این همه، این جاذبه از دل‌بستگی به معنویت اسلام و ایمان به خدا، نکاسته و امت اسلامی را به تقویت بنیان‌های تمدن

اسلامی و الهام از تجربه‌های تاریخی صدر اسلام دل‌گرم ساخته است. مسلمانان این واقعیت را پذیرفته‌اند که در شرایط جهان امروز، اسلام در صورتی می‌تواند نقش راستین خود را ایفا کند که ملت‌های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی مجهز باشند.

راهبردهای علمی و فنی

اسلام بر اهمیت عنصر آگاهی و عقلانیت، توصیه و تأکید بسیار نموده است، به گونه‌ای که مفهوم «علم» و مشتقات آن قریب ۸۸۰ بار در قرآن آمده است. علاوه بر این، به صراحت، در متون روایی، واجب بودن کسب علم برای هر مسلمانی مورد تأکید قرار گرفته است. در احادیث ارزش کسب دانش را از نظر اسلام، بازشناسانده و به فراگیری آن سفارش نموده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله با این فرمایش خود «کسب دانش وظیفه هر زن و مرد مسلمان است» می‌دانست (مجلسی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۶۳).

راهبردهای اقتصادی

زن مسلمانان باید تدابیری بیندیشد که از نظر اقتصادی، به الگویی از توسعه بومی و اسلامی دست یابد و از تابعیت و تأثیرپذیری سلطه اقتصادی غرب رها شوند. توسعه‌ای که هم از نظر مبانی نظری و هم از نظر اهداف و روش‌ها مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد و بر محور خداآوری و عدالت و کرامت انسانی به پیش برود.

نرخ اشتغال زنان طی سال‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب و به خصوص طی جنگ تحمیلی با نوسان زیادی روبه‌رو بوده است. با این حال میزان رشد نرخ اشتغال مردان طی همین مدت (۵۵ تا ۸۴) برابر ۴۴٪ درصد و میزان رشد نرخ اشتغال زنان ۳۱٪ درصد بوده است. همچنین میزان رشد نرخ بیکاری مردان در سال‌های پیش و پس از پیروزی انقلاب ۴/۴۰ درصد و رشد اشتغال مردان در بخش کشاورزی کاهش یافته و برابر ۳۱/۱۰ درصد بوده و لی نرخ رشد اشتغال زنان در بخش کشاورزی به بیش از ۱۰۸/۳ درصد رسیده است. اما در بخش صنعت نرخ اشتغال زنان در این مدت ۴۹/۰۷ درصد بوده که نشان دهنده خروج زنان از اشتغال در این بخش است. به ازای آن در بخش خدمات، حضور زنان بیشترین رشد را در بازار اشتغال شهری داشته است. زنان به دلیل اشتغال در این بخش تا امروز در سطوح میانی بازار اشتغال متوقف مانده‌اند و بازار کار نیز به شدت خواستار حفظ زنان در این موقعیت اقتصادی است. با این حال درصد اشتغال در بخش خدمات طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ به طور متوسط در میان مردان ۵/۱۱ درصد و برای زنان ۴۶/۱۸ درصد افزایش داشته است (مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۸۴).

دکتر وحیده‌نگین مشاور وزیر تعاون در امور بانوان اعلام می‌دارد، بر اساس نتایج طرح

آمارگیری از نیروی کار در پاییز ۱۳۹۳، نرخ بیکاری کشور ۱۰٫۵ درصد اعلام شده است، این درحالی است که در همین زمان نرخ بیکاری زنان بیش از ۲۰ درصد و بیش از دو برابر نرخ بیکاری مردان عنوان شده است. اما شاید مهم تر از همه، "نرخ مشارکت اقتصادی" باشد که ارتباط تعیین کننده با نرخ بیکاری دارد، به این صورت که هرچه نرخ مشارکت اقتصادی افزایش یابد، نرخ بیکاری کاهش می یابد. نرخ مشارکت اقتصادی نشان می دهد که چند درصد از جمعیت در سن کار، فعال؛ یعنی شاغل یا بیکار هستند. مطابق نتایج به دست آمده، در فصل پاییز نرخ مشارکت اقتصادی در جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر در کل کشور ۳۷٫۳ درصد بوده است. این شاخص در بین مردان ۶۲٫۹ درصد و در بین زنان ۱۱٫۸ درصد محاسبه شده است. در صورتی که جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر را جمعیت در سن کار فرض شود، نرخ مشارکت اقتصادی کشور افزایش و به بیش از ۴۰ درصد می رسد، طبیعتاً نرخ مشارکت اقتصادی زنان نیز افزایش و به حدود ۱۳ درصد می رسد. مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی در گروه های سنی نشان می دهد که بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی در پاییز ۹۳، مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ ساله به میزان بیش از ۵۶ درصد بوده است. ضمن اینکه بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی در بین زنان در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ ساله به میزان بیش از ۲۰ درصد اعلام شده است (موسسه آموزش عالی علمی کاربردی بهزیستی، ۱۳۹۴).

نتیجه گیری

امروزه زنان مسلمان علی رغم توانمندی های فردی اجتماعی خود، در شرایط مثبت ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و روند مسیر جهانی شدن مشارکت داشته و فعالیت می نمایند. اگر جهانی شدن تمایل به کاهش شکافهای فرهنگی داشته باشد جوامع در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری در معرض فرهنگهای مختلف هستند و از آنجا که حقوق زنان مسلمان عمیقاً ریشه در فرهنگ و سیستمهای ارزشی دارد، قرار گرفتن در معرض فرهنگهای مختلف و نزدیکی با فرهنگهای گوناگون دیگر، می تواند فرصتها و تهدیدهایی در کاهش و افزایش شیوه های فرهنگی در برابر زنان داشته باشد. ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی سرلوحه وظایف دولت است.

با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۳ "منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران" را تصویب کرد که این منشور با الهام از شریعت معتدل و جامع اسلام و مبتنی بر قانون اساسی و اندیشه های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی تدوین گردید و در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های داخلی و بین المللی در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید. و این یک گام در راستای توجه به مسایل زنان در روند جهانی شدن بود. که این منشور

می تواند مبنای معرفی و تبیین جایگاه زن مسلمان در مجامع بین المللی نیز قرار گیرد. از آنجا که یکی از دلایل عمده عقب ماندگی و توسعه نیافتگی ناشی از عدم توجه به جامعه زنان در برخی جوامع مسلمان است، ضرورت دارد برای حل این مشکل و ارتقاء منزلت آنها در جامعه تلاش های زیر صورت گیرد:

نخبگان و سیاست گذاران فرهنگی جوامع مسلمان باید تلاش خود را بکار گیرند تا تمام اشکال تبعیض را در جامعه از بین برده و در تبیین جایگاه متعالی زن جدیت به خرج دهند. این مهم وقتی عملی خواهد شد که در قوانین و ملاک های متعصبانه بازنگری به عمل آید. رسانه، احزاب، روزنامه ها، نویسندگان و دستگاه های فرهنگی به روشنگری پرداخته و بدور از هیاهو و همراه شدن با ارزش های غربی و با ارائه الگوهای اسلامی نگاه سنتی جامعه را نسبت به زنان تغییر دهند و رسانه های به صورت اختصاصی در خصوص مسائل زنان فعال شوند. توانمندسازی زنان در جهت کسب مهارت های شغلی و پذیرش مدیریت در سطوح عالی و شناخت استعداد های بانوان در عرصه های مختلف و بکارگیری آنها در جهت رشد و تعالی. مفهوم مشارکت در مقیاس جهانی، معیار و ملاکی ارزشمند است و برای شهروندان یک جامعه، عنصری است حیاتی برای نیل به تعالی اجتماعی. لذا موضوع مشارکت سیاسی زنان باید دغدغه تمام آحاد جامعه بویژه دولت مردان باشد. بر تقویت فرهنگ سیاسی در این حوزه تاکید شود.

اینک که مشارکت سیاسی زنان در جامعه آغاز شده و تحولی در دیدگاه های سنتی حاکم بر جوامع ایجاد شده است، نخبگان باید به یاری آن شتافته و در جهت تکامل آن بکوشند که قطعاً رشد و شکوفایی همه جانبه را بهمراه داشته و عدالت اجتماعی که هدف غایی جوامع مسلمان است تحقق پیدا خواهد کرد.

در این میان، اهمیت بنیادین خانواده مورد غفلت واقع نشود و زن و مرد در کنار یکدیگر به این امر مهم توجه نموده و شالوده های محکم تربیت فرزندان را متزلزل نسازند.

منابع

- قرآن کریم.
- اخوان زنجان، داریوش (۱۳۸۳). جهانی شدن و سیاست خارجی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- الحمادی، عبدالله (۱۳۸۱). ما و مظاهر جهانی شدن، ترجمه عبدالله نکونام قدیمی، همشهری، ش ۲۲۴۳، سال هفتم، شهریور.
- یوازر، مارسل (۱۳۶۱). اسلام در جهان امروز. ترجمه محمد حسن مهدوی و غلامحسین یوسفی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۰). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشرنی، تهران.

- پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (۱۳۸۱). زنان و توسعه، مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران. انتشار مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، وابسته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- تارو، لستر (۱۹۹۶). آینده سرمایه‌داری، ترجمه عزیز کیاوند (۱۳۷۶). مؤسسه انتشارات آگاه.
- جنانی، افشین. ضیائی، فریمنیژه (۱۳۸۸). اجلاس داووس برای جهانی شدن و راهکارهای جهانی شدن اقتصاد ایران، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی.
- حاجتی، میراحمد رضا (۱۳۸۲). مصاحبه با روزه‌گارودی، انتشارات عصر امام خمینی قدس سره، تهران.
- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (۱۳۷۲). نقش زنان در توسعه، نشر روشنگران، تهران.
- زیرک، معصومه (۱۳۸۷). تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه‌گرایی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی مسایل و سیاست‌های اقتصادی - شماره‌های ۸۴ و ۸۳، مهر و آبان، صفحات ۸۵-۵۷.
- ساروخانی، باقر. بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۱). اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگی جوانان در ایران، انتشارات دیدار، تهران.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۵). اسلام و جهانی شدن، کتاب نقد، تهران.
- صالحیان، حمیده (۱۳۹۴). جهانی شدن و زنان در جامعه ایران امروز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- صداقت، پرویز (۱۳۷۹). سرشت جهانی شدن و زمینه‌های آن، مجله بورس.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۳). آثار جهانی شدن بر زنان، مجله پژوهش زنان، بهار، ش ۱، صفحات ۹۱-۱۱۱.
- عبدالخانی، لانا. جوهر، تهمنه (۱۳۹۳). بررسی سطح مشارکت سیاسی زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه ۲ اهواز، فصلنامه زن و فرهنگ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، پاییز، صفحات ۶۳-۷۲.
- قطب، م. (۲۰۰۴). مسلمانان و مسأله جهانی شدن، ترجمه زاهد ویسی (۱۳۸۲). شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، تهران.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۹۰). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، رفاه اجتماعی، ش ۴۰، صفحات ۶۲-۲۹.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۵). جهانی شدن، فرهنگ و سیاست، نشر مرکز، تهران.
- کیانی، داود (۱۳۸۰). فرهنگ جهانی؛ اسطوره یا واقعیت، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۱۰، سال سوم، زمستان، صفحات ۱۲۳-۹۱.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳). بحار الانوار، مترجم ابوالحسن موسوی همدانی، ج اول، کتابخانه

- مسجد ولی عصر (عج)، تهران.
- مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۸۴). گزارش تحول وضعیت زنان ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴، معاونت طرح و برنامه مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری (۱۳۸۱)، زنان و توسعه: مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، نشر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳) منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران. نشر شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران.
- مقدس، علی. خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۴). جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان، مطالعات زنان، ۷، دوره ۳، صفحات ۳۲-۵.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۳). مجموعه قوانین با آخرین اصلاحات سال ۱۳۹۳، نشر دوران، تهران.
- موسسه آموزش عالی علمی کاربردی بهزیستی، (۱۳۹۴). آخرین وضعیت اشتغال زنان، مصاحبه با وحید نگین ۳۰/۱/۱۳۹۴، ۳۱۵. behzisti-uast.ac.ir/NewsView.aspx?ID=315.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳). گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- Gheytauchi, Elham (1999). Post - Revolutionary Iran: Islamic Feminism and Crisis of Civil Society.
- Parta Dasgupta (2001). The Family, Harlow. Longmans.

Globalization and Social Capabilities of Muslim Women

*H. Salehian
**L. Abdolkhani

Abstract

Today, the necessity of studying the status of Muslim women in the process of globalization and international developments with the aim of adjusting and improving their status is a considerable issue. Research in the field of Muslim women related issues by taking their demands into account in various stages of social and cultural planning and decision making increased its importance. The social, economic, political, and cultural factors that govern communities, as well as global experiences of globalization, faced Muslim women with different opportunities and threats. This research, on the one hand, studied the positive and negative effects of globalization for women. On the other hand, it reflected social movements and attempts made to achieve strategic demands that ensure the elimination of discrimination and inequality in different areas of life and the provision of a suitable and befitting environment for Muslim women in developing their productive and creative capabilities, regarding existing challenges. It is, thus, necessary to take appropriate measures in favor of promoting the status of women by decision-making bodies, intellectuals, and cultural policy-makers and, most of all, Muslim women themselves.

Keywords: Globalization, social capabilities, Muslim women

*M. A. in Political Sciences, Department of Political Sciences, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

**Assistant Professor, Department of Political Sciences, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (corresponding author, email: with.policy@gmail.com)